

اجتماعی‌ترین کارها و مؤثرترین انواع فعالیت و حضور اجتماعی زن است. علاوه بر این بسیاری از مشکلات اجتماعی فعلی، ناشی از خارج شدن مادر از جایگاه حقیقی خویش است.

دوم) مدیریت تحصیل: تدابیری اندیشیده شود که تا حد ممکن تحصیل با فرزندداری منافات و اصطکاک نداشته باشد. مثلاً مادر تحصیل را به تاخیر بیندازد. مدرک‌گرایی کنار گذاشته شود و معرفت‌افزایی هدف قرار بگیرد. علم و آگاهی خارج از نظام‌های آموزشی مرسوم هم قابل دستیابی است.

👉 فرزند کمتر، تربیت بهتر

اول) کدام تربیت: از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزند، پرکردن وقت بچه بصورت مفید است. بهترین گزینه برای چنین هدفی، یک کودک دیگر است. نوع آفرینش آن‌ها به‌گونه‌ای است که در کنار یک کودک دیگر احساس آرامش می‌کند.

دوم) تربیت فرزند اول سخت‌ترین مرحله: خشت اول تربیت است که والدین می‌گذارند. می‌تواند الگویی باشد برای بقیه فرزندان.

سوم) معایب تک‌فرزندی بر کسی پوشیده نیست. از جمله: احساس تنهایی فرزند (همانطور که بزرگترها در جمع کودکان احساس تنهایی می‌کنند)، لوس شدن، از دست دادن استقلال شخصیت (فرزندان در محیط خانواده پر جمعیت می‌فهمند که هرکسی باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد و خانواده تنها زمینه‌ساز است. تک‌فرزندها اکثراً وابسته به خانواده بار آمده و استقلال شخصیت خود را از دست می‌دهند)، ضعف داشتن در بکارگیری قانون زندگی (یکی از حسن‌های دعوای طبیعی آن است که بچه‌ها با خشونت و تندي به صورت طبیعی آشنا شده و وقتی در جامعه با برخوردهای خشن مواجه می‌شوند به این راحتی عقب نمی‌کشند)، آسیب‌پذیری و کم‌تحملی در رقابت‌های اجتماعی (زیرا آنها پیش از آن نه تنها رقابت نکرده اند بلکه همیشه بدون آنکه زحمتی بکشند در کانون توجهات بوده‌اند)، اضطراب شدید پدر و مادر (مرگ یک واقعیت است. نمی‌گوییم داغ فرزند برای کسانی که چند فرزند دارند سبک‌تر است، اما برای خانواده‌های تک‌فرزندی سخت‌تر خواهد بود)، از بین رفتن نسل عمو و دایی و خاله و عمه، خلأ عاطفی (رابطه عاطفی



شبهات تربیتی

- فرزند کمتر، وقت بیشتر
- ادامه تحصیل مادر
- فرزند کمتر، تربیت بهتر
- عدم حوصله برای فرزند پروری
- طعنه‌های مردم

👉 فرزند کمتر، وقت بیشتر

اول) سبک زندگی: سبک زندگی کنونی وقت‌گش است. امروزه مصرف‌گرایی بیش از حد رواج یافته است و خیلی از غیرضروری‌ها ضروری شده است؛ لذا بسیاری از وقت والدین صرف فعالیت‌هایی می‌شود که برای تهیه‌ی دغدغه‌های غیرضروری انتخاب شده‌اند. مادران دهه‌شصت و مادران کنونی را با هم مقایسه کنیم: لباس و کهنه بچه شستن و تهیه‌ی مربا و ترشی و لباس‌های بافتنی و... برای مادران آن زمان، بسیاری امکانات رفاهی و تکنولوژی‌های تسهیل‌گر زندگی روزمره برای مادران کنونی! پس چرا مادرهای گذشته وقت بیشتری داشتند؟

دوم) صرفه‌جویی در وقت با فرزندان بیشتر: در سبک زندگی پدران و مادران ما، فرزندان بزرگ‌تر در نگهداری فرزندان کوچک‌تر و کارهای خانه کمک‌کار والدین و عصای دست آنها بودند.

بچه‌ها بر اساس روش تربیتی ما به دو گروه خدمتگزار و خدمت‌پذیر تقسیم می‌شوند؛ بچه‌های خدمتگزار آنها می‌هستند که تنها طالب خدمت دیگران به خویش نیستند، بلکه بار خودشان را از دوش دیگران بر می‌دارند و به دیگران هم کمک می‌کنند. بچه‌های خدمت‌پذیر از انداختن بارشان بر روی دوش دیگران احساس بدی ندارند؛ تکلیف برداشتن بار دیگران هم از طرف این بچه‌ها معلوم است. انسان به طور فطری دوست ندارد بار دوش دیگران باشد، لذا ما باید مراقب باشیم فرزندانمان از مسیر فطرت خارج نشوند.

سوم) پاسخ‌گویی به نیاز کودکان: اساسی‌ترین نیاز کودکان، بازی است. بازی هم‌بازی می‌خواهد. وقتی هم‌بازی نباشد باید والدین خود هم‌بازی فرزندان شوند که به دلیل مشغله این راه را خیلی کم انتخاب می‌کنند، در نتیجه بیشتر کودکان به سمت گوشی، تبلت و یا بازی‌های رایانه‌ای جذب خواهند شد.

👉 ادامه تحصیل مادر

اول) جایگاه مادر: ما می‌خواهیم با تحصیلات عالی خود، در جامعه فردی مؤثر باشیم، اما غافل از آنیم که مادری کردن به جهت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر جریانات اجتماعی، علمی و فرهنگی یک کشور، از



عصبی بودن: علل مختلفی دارد. از کمبودهای جسمی و اشکالات تغذیه ای تا مسائل روان پزشکی و رفتاری. باید مشکل را با مراجعه به کارشناس مربوطه (پزشک یا مشاور) پیدا و حل کرد. عمل به دستورات دین خَلال بسیاری از مشکلات است.

به هم ریختن اولویتهای زندگی: ما زندگی را تفرج گاهی فرض کرده و گمان کرده ایم باید با هر چه تفریحمان را به هم بزنند، در بیفتیم. اگر کسی تربیت را پرورش انسان برای جانشینی خدا بداند بی حوصله نمی شود. فراموش نکردن هدف آفرینش اصلی ترین رکن تربیت است. مشکلات راه، به دلیل ارزشمند بودن مقصد، نه تنها قابل تحمل بلکه شیرین می شود. امام خمینی رضوان الله علیه خطاب به نوه شان که از شیطنت بچه خود گله می کرد، فرمود: من حاضر ثوابی که تو از تحمل شیطنت حسین می بری، با ثواب تمام عبادات خود عوض کنم. (برداشت هایی از سیره ی امام خمینی (ره)؛ جلد یک، صفحه ۲۵)

طعنه های مردم

انسان در زندگی خود ملاک و معیار ثابت و معقول باید داشته باشد؛ نمی تواند زندگی خود را بر حرف و نظر مردم مبتنا کند. در این باره امام صادق علیه السلام فرموده اند: «رضایت مردم را نمی توان به دست آورد و زبانشان را نمی شود کنترل کرد. (امالی شیخ صدوق، ص ۱۶۴)» اگر کسی توجه کند که رضای الهی در فرزندآوری است و اینکه آینده کشور با بحران جدی جمعیت روبرو ست، باز به حرف مردم توجه کند، دنیا و آخرت خود را باخته است. امام حسین علیه السلام در پاسخ کسی که راجع به خیر دنیا و آخرت سوال کرده بود فرمودند: همانا کسی که رضایت خدا را به قیمت خشم مردم به دست می آورد، خداوند او را از مردم کفایت می کند و هر کسی که رضایت مردم را به قیمت خشم خداوند طلب کند، خداوند او را به مردم واگذار خواهد کرد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: کسی که طاعت الهی را به کاری که مردم را به خشم می آورد ترجیح دهد، خداوند او را از دشمنی هر دشمن و حسادت هر حسود و سرکشی هر یاغی کفایت خواهد کرد و خداوند یار و پشتیبان او خواهد بود. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۲)

با برادر و خواهر یک نیاز است)، اضطراب و فشار برای نگهداری والدین (بچه های تک فرزند برای نگهداری والدینشان در آینده دچار اضطراب اند. جمع میان کار و زندگی شخصی و نگهداری والدین راحت نیست) و... (سوم) مقام معظم رهبری مدظله العالی: البته توجه داشته باشید و توجه دارید که تربیت فرزندان این جور نیست که انسان هر یک یک بچه ها را بخواهد [که] مثل یک شاگرد معینی جلو [بیایند]، دعوتشان کند، بهشان حرف بزند [و] تربیتشان کند؛ نه. بعضی ها می گویند که شما می گویند فرزند زیاد [داشته باشید]، خب اگر [فرزندان] زیاد شدند در خانه، تربیتشان نمی توانیم بکنیم؛ این حرف غلط است. تربیت فرزندان، تربیت تک تک فرزندان نیست، تربیت محیط خانواده است. محیط خانواده که خوب بود، چه بچه یکی باشد چه پنج تا باشد، فرقی نمی کند، خوب تربیت می شوند. به طور طبیعی، به طور غالب خوب تربیت می شوند. (بیانات در جلسه درس خارج فقه، مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

عدم حوصله برای فرزند پروری

- به هم ریختن نظام حساسیت ها: والدین بر سر چیزهایی حرص می خورند که حرص خوردنی نیست؛ مثلاً بچه ریخت و پاش می کند، عصبانی می شوند! نظم آن چیزی نیست که خانه را به پادگان تبدیل کند؛ بلکه باید معنای نظم را بدانیم. برای بدست آوردن ملاک های نظم در هر چیزی باید آن را خوب بشناسیم. نظم در تربیت کودک، آزادی دادن به او در هفت سال اول زندگی اوست. یکی از لوازم آزادی ریخت و پاش هایی است که می کند. چقدر دنیای مدرن سنگ دل شده است که ما را به گونه ای بار آورده که با خطی که کودکمان روی دیوار خانه مان می کشد، حاضریم هزاران خط روی روح و روان او بکشیم.
- بی توجهی به کودکی کودک: ما نپذیرفته ایم که بچه ها بچه اند و با بزرگ ترها فرق دارند.
- ضعف رابطه محبتی: شما هر اندازه یک نفر را دوست داشته باشید، تحملتان هم نسبت به کارهای او بالا می رود.
- فشار بیش از اندازه به مادر: تمام بار را نباید بر دوش مادر انداخت. پدرها هم اگر تمایل به فرزند بیشتر دارند باید به صورت جدی کمک کار مادران باشند